

**Original Article**

**The Prevention from Children Sexual Damages in Islam**

**Mohammad Mahdi Meghdadi<sup>1</sup>, Maryam Javadpour<sup>2\*</sup>**

1. Associate Professor of Law, Mofid University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Islamic Azad University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. (Corresponding Author) Email: javadpour89@yahoo.com

Received: 1 Oct 2016    Accepted: 31 Jan 2017

**Abstract**

**Background and Aim:** One of the strongest human instincts is the sexual that can make adverse effects on child's spiritual by distortions, stimulation and deviation then it provide the original of corruption, depravity and mental illnesses. However, the child requires the utilization of precautionary policies against sexual trauma because of his/her age situation and injury preventive measures. This important be expressed to support in light of the Islam teachings and parents, legal guardians, educators etc. Hence, the present article seeks to answer the questions that what is the foundations and documentations of sexual education and principles of prevention from sexual injury also has provided strategies in order to protecting child's mental health?

**Materials and Methods:** In this study of description and concept analysis, Islamic teachings and jurists views was used for an answer the research questions.

**Findings:** By applying important rules and comprehensive solutions can be taught child sexual desire on the right direction, for example: respect for the dignity of man; counsel; treatment of moderate and renounce all forms of discrimination and degradation, the necessity of love and compassion; participation and being responsible and strengthening the foundations of the spiritual.

**Conclusion:** Based on the Islamic teachings and jurists views is necessary that nurture virtues of moral, modesty and the sexual instinct grow up in the existence of children, also it should be provided the field of concealment of sexual desire in a healthy instinct environment and devoid any of stimulant factors before puberty with supervision and religious education for children, that be prevented from sexual misconduct, and its consequential damages and abnormalities such; masturbation, homosexuality, types of sexual abuse etc. Hence, by observation of these things from all persons and related institutions with child can be played the proper role at the protection and security of his/her sex.

**Keywords:** Child; Health; Sexual Damage; Prevention; Sexual Education

**Please cite this article as:** Meghdadi MM, Javadpour M. The Prevention from Children Sexual Damages in Islam. *Iran J Bioethics* 2017; 7(23): 61-77.

## مقاله پژوهشی

## پیشگیری از آسیب‌های جنسی کودکان در اسلام

محمد مهدی مقدادی<sup>۱</sup>، مریم جوادی‌پور<sup>۲\*</sup>

۱. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: javadpour89@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۲

## چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از قوی‌ترین غرائز انسانی، غریزه جنسی است که با کج‌روی، تحریک و انحراف، می‌تواند در روح و روان کودک تأثیرات مخرب و پیامدهای ناگواری را دامن زند و منشأ فساد، تباهی و بیماری‌های روحی گردد، لیکن کودک به دلیل موقعیت و وضعیت سنی و آسیب‌پذیری‌اش، نیازمند بهره‌مندی از حمایت‌ها، تدابیر و سیاست‌های پیشگیرانه در برابر آسیب‌های جنسی است که این مهم در سایه تعالیم ارزشمند اسلام و مراقبت والدین، سرپرستان قانونی، مربیان و... تجلی می‌یابد. از این رو پژوهش پیش رو درصدد تبیین آن است که یک تربیت ایده‌آل جنسی در اسلام بر چه مبانی و مستنداتی استوار است و در راستای حمایت از سلامت روحی کودک، قواعد و راه‌کارهای تأمین‌کننده سلامت روحی و امنیت جنسی کدامند؟

**مواد و روش‌ها:** در این مطالعه، با استفاده از روش توصیف و تحلیل مفهومی، برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، از منابع و آموزه‌های اسلامی و دیدگاه فقیهان استفاده شده است.

**یافته‌ها:** با عنایت و به کارگیری قواعد مهم، دستورالعمل‌ها و راه‌کارهای جامع مندرج در شریعت اسلام، مانند احترام به کرامت و عزت انسانی، مصلحت‌اندیشی، رفتار اعتدال‌گرایانه و نفی هر گونه تبعیض و تخریب، لزوم محبت و مهرورزی، جلب مشارکت و مسؤولیت‌پذیری و استحکام پایه‌های معنوی، می‌توان غریزه جنسی کودک را در مسیر صحیح و شایسته قرار داد.

**نتیجه‌گیری:** بر پایه آموزه‌های اسلامی و دیدگاه فقیهان ضرورت دارد، از همان اوان کودکی و به تدریج، فضایل اخلاقی، حیا، عفت و غیرت در وجود طفل تقویت و پرورش یابد و غریزه جنسی تحت پرورش صحیح و کنترل واقع شود. همچنین باید قبل از بلوغ با نظارت و تربیت دینی عملاً زمینه اختفای تمایل جنسی در محیطی سالم و عاری از هر گونه عوامل محرک، برای کودک فراهم شود که از انحرافات جنسی و به دنبال آن، آسیب‌ها و نابهنجاری‌هایی همچون خودارضایی، همجنس‌گرایی، انواع آزار جنسی و... پیشگیری به عمل آید و با رعایت این امور از سوی تمامی افراد و نهادهای مرتبط با کودک، می‌توان نقش شایسته و کمک شایانی در حمایت و تأمین امنیت جنسی او ایفا نمود.

**واژگان کلیدی:** کودک؛ سلامت؛ آسیب جنسی؛ پیشگیری؛ تربیت جنسی

## مقدمه

کودکان به ویژه در دوران طفولیت، حساس‌ترین، بی‌دفاع‌ترین و آسیب‌پذیرترین قشر محسوب می‌شوند. از این رو مهم‌ترین مسأله درباره آنان، پرورش در محیطی امن از نظر جسمی، روانی و عاطفی است. در این میان با توجه به شیوع ناهنجاری‌ها و عوامل گسترده‌ای که انحرافات جنسی را روز به روز فراگیرتر می‌سازد، اجرای صحیح شیوه‌های تربیت جنسی است که ایجاب می‌کند کودکان در محیطی سالم و مبتنی بر نظارت و تربیت دینی پرورش یابند، تا از یکسو غریزه جنسی آنان در یک مسیر درست هدایت شود و از دیگرسو در مقابل انواع ناهنجاری‌ها، مانند استمناء، استشهائ، سوء استفاده جنسی شفاهی و زبانی، روسپی‌گری، هرزه‌نگاری و... که منتهی به انحراف و آسیب‌های جنسی می‌شوند، مصونیت یابند.

با این حال به رغم تأکید در جهت تربیت جنسی، گاه مهم‌ترین اصل، یعنی هماهنگی برنامه‌های تربیتی با مقررات طبیعی، نادیده گرفته می‌شود و غریزه جنسی که مهم‌ترین امور فطری و غریزی کودک است، دستخوش مشکلات و کج‌روی‌هایی قرار می‌گیرد و از رشد مناسب و مسیر طبیعی خود خارج می‌شود و سلامت روحی و روانی کودک در معرض خطر قرار می‌گیرد.

از آنجا که مهم‌ترین مباحث ارائه شده در این باره، در قالب «تربیت جنسی»، «تعلیم و تربیت کودک» و «آشنایی با انواع بیماری‌های جنسی به مانند بلوغ زودرس، ایدز، هپاتیت، عفونت‌های مقاربتی و...» بوده است، لیکن درباره موضوع مزبور بر اساس ادله فقهی و دیدگاه فقیهان بحث و نوشتار جامعی ارائه نشده و تنها معدودی از پژوهشگران از بعد روانشناسی و تا حدودی از منظر اخلاق، قرآن و حدیث به این مهم عنایت داشته‌اند.

بدین‌سان با عنایت به نقش آگاهی و شناخت آموزه‌های دینی در سلامت و سعادت کودک، موضوع مذکور از دیدگاه فقه اسلام به عنوان محور نوشتار پیش رو انتخاب شده و درصدد تبیین آن است که یک تربیت ایده‌آل جنسی در اسلام بر چه مبانی و مستنداتی استوار است و در راستای حمایت از سلامت روحی کودک قواعد و راه‌کارهای تأمین‌کننده سلامت

روحی و امنیت جنسی کدامند؟ در این نوشتار ثابت می‌گردد که بر پایه پرورش و شکوفاسازی فطرت و رعایت کرامت و مصلحت و با مراقبت و تأمین امنیت روانی طفل و رشد و پرورش شخصیت او و فراهم آوردن زمینه تعدیل تمایل جنسی و دفع هر گونه زمینه‌های ناهنجار و انحراف جنسی، می‌توان به خوبی از آسیب‌های جنسی در کودک پیشگیری نمود.

از این رو، پژوهش حاضر طی چهار مبحث تدوین شده است: ابتدا «کودک» و «آسیب جنسی» به عنوان مفاهیم پایه‌ای مفهوم‌شناسی می‌شود، سپس مبانی و مستندات تربیت جنسی در اسلام تبیین می‌گردد، آنگاه در دو مبحث نهایی به تحلیل و بررسی اصول تربیت جنسی و راه‌کارهای آن پرداخته می‌شود.

## مفاهیم

در جهت تبیین پایه‌های بحث و شناسایی مفاهیم کلیدی در این قسمت از نوشتار به بررسی واژه‌های «کودک» و «آسیب جنسی» می‌پردازیم.

## ۱- مفهوم کودک

به فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ «کودک» گفته می‌شود که معادل آن در زبان عربی «طفل» است، به معنای «کوچک» یا «خردسال» (۱-۲). این در حالی است که به استناد آیاتی همچون ۶۹ سوره غافر و ۵۸ و ۵۹ سوره نور و دیگر آموزه‌های اسلامی، از زمان بسته شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر تا زمانی که به حد بلوغ برسد، کودک اطلاق می‌شود (۳)، اما از دیدگاه لغت‌شناسان از آنجا که در طول دوران بارداری، کودک حالت مستور و پوشیده دارد، به آن «جنین» اطلاق می‌شود که جمع آن «اجنه» است (۴). برخی از فقیهان نیز از همان ابتدای حمل، یعنی از ابتدای انعقاد نطفه، عنوان جنین نهاده‌اند، با این استدلال که در فقه اسلام برای تمامی مراحل زندگی جنین - از لحظه انعقاد نطفه گرفته تا لحظه تولد - دیه مقرر شده است (۵-۶).

به هر روی، واژه‌های متعددی همچون «رضیع»، «طفل»، «صبی» و «صغیر» مترادف با واژه «کودک» به کار برده می‌شود، لیکن بستگی به نوع مرحله‌ای دارد که کودک در آن

از جانب والدین در تربیت جسمی و روحی کودک را شامل می‌شود و آن را مورد نهی قرار می‌دهد (۱۰).

از این رو، غفلت و اهمال در تربیت کودکان می‌تواند در بردارنده زیان‌ها و خساراتی باشد که زندگی فردی و اجتماعی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به گونه‌ای که برخی از این زیان‌ها و خسارات به دنبال انحراف و ناهنجاری جنسی حادث می‌شود و به آن‌ها آسیب جنسی اطلاق می‌شود. همچنین به هر تمایل و رفتار جنسی غیر طبیعی و انحرافی که به هر شیوه‌ای، به سلامت جسمی، روانی، معنوی و اجتماعی فرد آسیب برساند و او را از تعالی و رشد انسانی باز دارد، ناهنجاری جنسی می‌گویند (۱۱).

از آنجا که این ناهنجاری‌ها با فطرت طبیعی انسان سازگاری ندارند، در قرآن از آن‌ها به «خبائث و منکر» یاد شده و حرام می‌باشند. در حالی که هر آنچه هماهنگ با فطرت انسان است به «طیبات و معروف» مشهورند و حکم حلال بر آن‌ها جاری است. از این رو در آیه ۱۵۷ سوره اعراف خداوند می‌فرماید: «همان کسانی که از این رسول و پیامبر امی - که صفاتش در تورات و انجیل نوشته شده - پیروی می‌کنند. پیامبری که آن‌ها را به کارهای شایسته فرمان می‌دهد و از کارهای زشت باز می‌دارد و هنجارها و طیبات را بر آن‌ها حلال و ناهنجاری‌ها و خبائث را بر آن‌ها حرام دانسته است... اینان همان رستگارانند».

آسیب‌هایی که در پی ناهنجاری‌ها ایجاد می‌شود، بسیار متعدّدند، ولی آسیب‌شناسی (پاتولوژی) حاکی از آن است که عمده آسیب‌ها، شخصیتی، شناختی و نگرشی و معنوی و بیماری‌های جسمی و روانی می‌باشند. آسیب شخصیتی به آن آسیبی گفته می‌شود که فرد احساس پستی و رذالت می‌کند و دچار یک تعارض درونی می‌شود که وحدت و انسجامی در وجود خود نمی‌بیند و عزت و ارزشمندی خود را نیز نمی‌پذیرد. این در حالی است که در آسیب شناختی و نگرشی، عقل از طریق ضد خود (شهوت) در بند می‌شود و رشد علمی فرد متوقف می‌شود و از همه مهم‌تر در آسیب معنوی نه تنها رشد معنوی متوقف می‌شود، بلکه به ایمان و پایه‌های باور و نگرش دینی آدمی و روابط او با خدا آسیب جدی وارد می‌شود (۱۱).

به سر می‌برد، به گونه‌ای که هر گاه کودک از شیر مادر تغذیه می‌کند، به او «رضیع» اطلاق می‌شود (۷). در مقابل برخی بر این باورند که به فرزند صغیر انسان تا زمانی که به سن تمیز - سود و زیان خود را تشخیص می‌دهد - نرسیده است، «طفل» می‌گویند (طفل غیر ممیز) و بعد از آن به او «صبی» گفته می‌شود، البته به استناد تعریف مزبور برخی دیگر معتقدند که تا زمان محتلم‌شدن نیز مشمول همان نام‌گذاری واژه «طفل» است. «طفل» یک لفظ واحدی برای مؤنث و مذکر بوده و جمع آن «أطفال» است (۸). همچنین بنا بر اصطلاح فقهی، «صغیر» کسی است که به حد بلوغ نرسیده و در تصرف اموال خود ممنوع است، هرچند که در کمال تمیز و رشد باشد و تصرفاتش در نهایت سود و صلاح صورت پذیرد (۶). از مفهوم مخالف آن مستفاد می‌شود، کسی که به حد بلوغ رسیده، صغیر نبوده، پس دوران کودکی با فرارسیدن بلوغ به پایان می‌رسد و هر آنچه در قبل از بلوغ بوده، کودکی است. بلوغ کودک نیز به این معنی است که او محتلم شده و از لحاظ شرعی مسؤولیت‌پذیر و مکلف است (۱).

بر این اساس می‌توان گفت که تمامی واژگان به کار برده شده، دارای اشتراک معنوی می‌باشند، لیکن اسلام با توسعه استعمال واژه کودک برای نطفه تازه منعقدشده، هم به رشد جسمی و هم به رشد روحی و عقلانی او توجه نموده و ابتکاری صلاح‌اندیشانه خلق کرده است. بنابراین از دیدگاه اسلام شروع دوران کودکی از ابتدای دوران بارداری است که به عنوان موجودی زنده و مستقل، حتی دارای حقوق فرض می‌شود و بی‌گمان تعرض به این حقوق موجب ایجاد مسؤولیت خواهد شد.

## ۲- چستی آسیب جنسی

واژه «آسیب» در لغت به معنی «آزار»، «گزند»، «رنج»، «صدمه»، «زیان»، «خسارت»، «ضربه» و «ضرر» آمده که ضرر نیز به معنی ضد نفع است (۱-۲). در اصطلاح فقهی از «آسیب» به «خسارت و ضرر» یاد می‌شود که بحث گسترده آن از جمله حرمت و مسؤولیت، در قالب قاعده فقهی «لاضرر و لاضرار» بیان شده است (۹)؛ نمونه پرواضح آن آیه ۲۳۳ سوره بقره است، یعنی نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضررزدن به کودک را دارد و نه پدر؛ در واقع هر گونه تقصیری

## مبانی و مستندات تربیت جنسی کودک

غریزه جنسی جزء غریزه‌های مادی (فیزیولوژیک) و ثانویه انسان است، یعنی تمایل جنسی یک تمایل طبیعی و فطری است که در وجود انسان قرار داده شده است. غریزه جنسی دو جنبه دارد: جنبه جسمانی که محدود است و جنبه روحانی که نیرومند و عمیق است و هرچه بیشتر اطاعت شود، قوی‌تر می‌شود. با این وجود از دیدگاه اسلام غریزه جنسی نشانه پلیدی، ناپاکی و نگرانی نیست تا اسلام آن را گناه قلمداد نماید، بلکه آن را مایه تربیت زندگی و رونق و جلادهنده آن به حساب می‌آورد. اسلام به هیچ روی، نیروی فطری را سرکوب نمی‌کند، بلکه بر وجود این نیرو و طبیعی بودن آن و نفی ردالت از آن به عنوان یک غریزه طبیعی تأکید می‌کند. این غریزه، ثانویه نیز محسوب می‌شود به این دلیل که هرچند شبیه غرائز اولیه (گرسنگی، خواب، تشنگی و...)، عدم ارضای صحیح آن‌ها باعث مرگ انسان نمی‌شود، ولی منجر به ایجاد ناهنجاری‌های جنسی می‌شود که برای خود یا افراد دیگر زیان‌آور و آسیب‌زا است، مانند استمنا، همجنس‌گرایی و روسپی‌گری، عورت‌نگاری (۱۱-۱۲). از دیگر سو، انسان از کرامت و شرافت برخوردار است که یک موهبت الهی از جانب خداوند بوده و در بازداشتن انسان به سقوط در ورطه لغزش‌های جنسی نقش شایانی دارد (۱۲-۱۳).

از این رو بنا به فرمایش مولا علی (ع) که نقش روح در بدن، به مانند نقش معنی در لفظ و کلمه است (۱۴)، می‌توان گفت که جسم، ابزار پرورش روح بوده و باید به نیازمندی‌های جسمی تنها به عنوان «یک وسیله» نه یک «هدف» نگاه شود، زیرا در واقع اصالت، مربوط به روح و بُعد معنوی انسان است.

بدین‌سان کرامت نفس، یعنی انسان به گوهر روح و نفس خود توجه کند و آن را پاس دارد و همواره باید مورد احترام قرار دهد، پس نادیده گرفتن کرامت ذاتی انسان به منزله نقض آن است که در کنار تهدید سلامت جسمی می‌تواند منتهی به آسیب سلامت روحی طفل نیز شود، به عنوان نمونه دخترانی که مورد آزار جنسی واقع می‌شوند نه تنها در معرض خطراتی قرار می‌گیرند که سلامت و بهداشت جنسی - جسمی و حیات آن‌ها را تهدید می‌کند، مانند حاملگی‌های ناخواسته، سقط غیر

بهداشتی جنین و قرارگرفتن در معرض انواع آلودگی‌ها و عفونت‌ها، بلکه از نظر روانی نیز تحقیر شده و دچار زیان جدی می‌شوند (۱۵). بنابراین در مجموع چنانچه بین هدایت و ارضای فطری غریزه جنسی و ارج‌نهادن به کرامت ذاتی انسانی، تنافر و دوگانگی ایجاد شود، می‌تواند منجر به آسیب‌هایی شود که تنها راه پیشگیری آن تربیت جنسی بر اساس الهام از آموزه‌های اسلامی است. از این رو بنا بر ضرورت، بحث را با عنایت به ادله فقهی آیات، روایات و دلیل عقل دنبال می‌کنیم.

## ۱- آیات

از آنجا که کودکان با فطرت معنوی و خدایی متولد می‌شوند، پرورش صحیح و شکوفاسازی آن باعث می‌گردد که طفل از انحرافات فطری و گرایش به ناهنجاری‌های اخلاقی و معنوی، از جمله انحرافات و ناهنجاری‌های جنسی مصونیت یابد که این مهم با خودشناسی و جهان‌بینی صحیح محقق می‌شود. آیات فراوانی در راستای اهمیت تربیت جنسی وجود دارد که با عمل به آن‌ها می‌توان در مسیر رشد و تکامل شایسته گام برداشت که در ادامه به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

## ۱-۱- تعدیل غریزه جنسی: غریزه جنسی یکی از

نیرومندترین غرائز است که با ناکامی‌ها و شکست‌ها می‌تواند در روان آدمی عقده‌های عظیمی به وجود آورد و منشأ فسادها و بدبختی‌ها و حتی بیماری روحی شود، آنجا که خداوند در سوره نسا، آیه ۲۸ می‌فرماید: «انسان در برابر شهوات نفسش ناتوان آفریده شده است». در واقع ضعیف‌بودن انسان از این بابت است که خدای سبحان در او قوای شهوتی را قرار داده است که دائماً بر سر متعلقات خود با انسان ستیزه می‌کند و مجبور می‌سازد آن متعلقات را مرتکب شود (۱۶).

## ۱-۲- نهی از معاشرت با فرومایگان: تأثیر همنشین بد

و غرق‌شدن در لذات دنیوی تا حدی است که انسان را به بیراهه می‌کشاند، به گونه‌ای که انسان از هواهای نفسانی‌اش تبعیت می‌کند و به رفتارهای ناهنجار جنسی روی می‌آورد و کم‌کم شخصیت انسانی و معنوی خود را از دست می‌دهد. از این رو خداوند در هشدار به افرادی که در مسیر شهوات گام برمی‌دارند، در آیه شریفه ۲۷ سوره نساء می‌فرماید: «و خدا می‌خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید) اما آن‌ها که

از اصول اخلاق جنسی است که باعث می‌شود گزینه جنسی صورت لجام گسیخته به خود پیدا نکند و موجب آلودگی روحی انسان شود.

## ۲- روایات

کودکان با زمینه‌های غریزی و نیازهای متعددی همراهند که تأمین شایسته و هدایت صحیح آن‌ها زمینه تربیت صحیح جنسی را فراهم می‌کند و عدم هدایت درست آن‌ها، آثار منفی روحی و روانی را به دنبال دارد، لیکن با بهره‌مندی از روایات وارده در خصوص مرتفع‌نمودن نیازهای کودک در مسیر صحیح و شایسته، می‌توان در تأمین امنیت جنسی وی کوشید. در این مجال به برخی از این دسته روایات اشاره می‌شود.

### ۱-۲- کنترل شهوت و احساسات جنسی: از شیوه‌های

پیشگیری نابهنجاری‌های جنسی توجه به آسیب‌ها و پیامدهای زیادی است که برای انسان به وجود می‌آید و نشان از میل و رفتار انحرافی است. حضرت امیر (ع) در این باره می‌فرمایند: «کسی که به امیال و رفتارهای شهوانی می‌شتابد، آفات و آسیب به سوی او شتاب می‌گیرد» (۱۸).

### ۲-۲- مهار خواسته‌های نفسانی: کسی که از هواهای

نفسانی‌اش تبعیت می‌کند و به رفتارهای ناهنجار جنسی روی می‌آورد، شخصیت معنوی و نفسانی خود را از دست می‌دهد و احساس پستی و ذالت جایگزین آن می‌شود. از این رو، امام علی (ع) می‌فرمایند: «کسی که هوای نفسش او را تسخیر کرده، قدر و منزلت خویش را به ذلت تبدیل کرده است» (۱۹).

### ۳-۲- شناخت ردائل اخلاقی: با توجه به تأثیرات منفی

شهوات در کاهش توانایی ادراک عقل و انگیزه پرداختن به مسائل علمی، همچنین کاهش در شناخت جنبه‌های گوناگون شخصیت انسانی و ارزش‌های اخلاقی و معنوی، امام کاظم (ع) می‌فرمایند: «کسی که سه چیز را بر سه چیز مسلط کند، به از بین بردن عقلش کمک کرده است: کسی که با آرزوهای طول و دراز نور اندیشه‌اش را به تاریکی می‌کشد؛ کسی که با حرف‌های زیادی و نسنجیده، نکات دقیق حکمتش را محو می‌نماید و کسی که با شهوت و هواهای نفسانی چراغ

پیرو شهواتند، می‌خواهند شما به کلی منحرف شوید» بدین مفهوم که رفتارهای نابهنجار و آزادی‌های بی‌قید و شرط سرابی بیش نیست و نتیجه آن انحراف عظیم از مسیر خوشبختی و تکامل انسانی و گرفتارشدن در بیراهه‌ها و پرتگاه‌ها است که نمونه‌های زیادی از آن را با چشم خودمان به شکل متلاشی‌شدن خانواده‌ها، انواع جنایات جنسی، فرزندان نامشروع و انواع بیماری‌های آمیزشی و ناراحتی‌های روانی مشاهده می‌کنیم (۱۷).

### ۳-۱- حفظ عفت و پاکدامنی: یکی از خلقیات پسندیده

و صفات عالی‌ه انسان عفت است که می‌تواند انسان را در اعمال تمایلات جنسی تعدیل کند و انسان را از پلیدی‌های شهوت مصون نگه دارد. خداوند در این باره در سوره المؤمنون، آیه ۵ می‌فرماید: «و آن‌ها که دامان خود را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ می‌کنند». واژه «فروج» جمع «فرج» است، به معنای عورت زن و مرد که مردم از بردن نام آن‌ها شرم می‌کنند. حفظ «فروج» کنایه از اجتناب از ارضای غیر طبیعی تمایل جنسی و مواجهه نامشروع است، مانند زنا و لواط و... پس از آنجا که گزینه جنسی سرکش‌ترین غرائز انسان است و خویشتن‌داری در برابر آن به تقوا و پرهیزگاری فراوان و ایمان قوی و نیرومند نیاز دارد، در آیه بعد بار دیگر روی همین مسأله تأکید کرده و می‌فرماید: «هر کس غیر این طریق را (جهت بهره‌گیری جنسی) طلب کند تجاوزگر است» (۱۷-۱۶). ملاحظه می‌شود که قرآن کریم در مورد غرائز و آلات جنسی با کنایه و حیا به ایراد سخن پرداخته است و این خود یک اصل تربیتی مهم در امر آموزش است.

بدین‌سان از مهم‌ترین وظایف اولیا، مربیان و افراد و نهادهای مرتبط با کودک، دفع و از بین بردن زمینه‌های انحراف و فساد اخلاقی در فرزندان است، زیرا هیچ آتشی سوزنده‌تر از فساد اخلاقی و انحراف، یک محیط سالم را متلاشی نمی‌سازد و از آنجا که زمینه فساد و انحراف در همگان وجود دارد و فرزندان به دلیل کم‌تجربه‌بودن و ناآگاهی در آستانه لغزش و انحراف هستند، لیکن نباید اجازه داد فطرت پاک و دست نخورده آنان به ردائل اخلاقی و مفاسد اجتماعی آلوده گردد. بنابراین حفظ عفت، تقوا و پاکدامنی در چارچوب ضوابط شرع

به گونه‌ای بیان‌کننده پیشگیری از ورود ضرر به اوست، کودکی که بنا بر ضرورت، نیاز به توجه بزرگسالان از جمله اولیا و مربیان و افراد مرتبط با او، حتی دولت و جامعه را دارد (۱۱). بنابراین چون محوریت عقل، درک حسن (زیبایی) و قبح (زشتی) اعمال می‌باشد و عقل به طور ذاتی و طبیعی ضرر وارد کردن به دیگری حتی به خود را زشت و قبیح می‌داند و به طور قاطع حکم به لزوم رفع این عمل قبیح، یعنی برداشتن زیان و از بین بردن منشأ آن از طریق مناسب می‌نماید (۲۳-۲۲). از این رو هر گونه بی‌توجهی و غفلت نسبت به تربیت صحیح جنسی و اعمال آزار جنسی چه در قالب گفتار و یا رفتار، یک عمل قبیح مورد نکوهش از طرف عقل بوده و ناپسند می‌باشد.

#### اصول تعالی تربیت جنسی کودک

از آنچه تاکنون گفته شد، معلوم گردید که هستی‌ها، قابلیت‌ها و ویژگی‌های انسانی که خواسته‌ها و عملکردهای جنسی از آن‌ها پدید می‌آید، منشأ قواعد و دستورالعمل‌های نسبتاً کلی بوده که پذیرفتن و به کار بستن آن‌ها منشأ ظهور صفات، ملکات نفسانی، افعال و رفتارهایی در راستای سعادت و قرب الهی و پیشگیری از ایجاد آسیب‌های جنسی است. بر این اساس، در ادامه لازم است ابتدا این قواعد و اصول و دستورالعمل‌ها تبیین گردد و آنگاه راه کارهای آن مشخص شود.

#### ۱- اصل رعایت منافع عالیه در تربیت جنسی

آنچه به عنوان محور اقدامات اولیا و مربیان کودک در تربیت جنسی شناخته شده است، رعایت مصلحت و خیر کودک و به تعبیر فقهی، غبطه ایشان است. از این رو خداوند در سوره اسراء، آیه ۳۴ می‌فرماید: «هیچ گاه جز به قصد اصلاح نزدیک مال یتیمان نشوید، تا هنگامی که به حد بلوغ برسند»، یعنی حتی کوچک‌ترین تصرف در مورد صغیر (یتیم هم به عنوان مصداقی از کودک) و اموالش باید به بهترین شیوه و مراعات مصلحت باشد. افزون بر این، پیامبر (ص) در سفارش به حضرت امیر (ع) می‌فرماید: «ای علی حق کودک بر والد خویش این است که اسمی نیکو برای او انتخاب کند و تربیتش کند و او را در وضعیتی شایسته قرار دهد» (۲۴).

عبرت‌پذیر خود را خاموش می‌سازد. چنین فردی به ویرانی عقل و درایت خویش کمک کرده است و با این وسیله دین و دنیای خود را تباه می‌کند» (۲۰).

#### ۴-۲- جلوگیری از انحرافات جنسی: انحرافات جنسی

از مصادیق بارز گناه‌اند که نه تنها مانع از رشد معنوی انسان بوده، بلکه در ارتباط او با خداوند نیز آسیب وارد می‌نماید. از این رو در تأکید و سفارش بر این مطلب حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «در بین گناهان هیچ گناهی به مانند پیروی از شهوت، شدیدترین تأثیرات منفی بر انسان را ندارد. بنابراین از تمایلات جنسی تبعیت نکنید که شما را از ارتباط با خداوند باز می‌دارد» (۱۹).

#### ۵-۲- شناخت نیازها و چالش‌ها: در کنار تربیت جنسی

باید شناخت و هماهنگی ویژگی‌های زمانی که کودک در آن به سر می‌برد، نیز صورت پذیرد. امام کاظم (ع) در این ارتباط می‌فرمایند: «روزگاری که در پیش روی داری، بشناس و آراسته ساز و آماده پاسخگویی به انتظارات، توقعات، نیازها و چالش‌های آن باش، چراکه تو مسؤول هستی» (۲۱).

بر این اساس باید اذعان داشت که دوران کودکی از حساسیت و ظرافت خاصی برخوردار است و هر گونه غفلت و سهل‌انگاری بر رشد سالم جنسی و پیشگیری از ابتلا به آسیب جنسی کودک تأثیر می‌گذارد که نه تنها می‌تواند موجب ضعف شخصیت انسانی و معنوی انسان شود، بلکه قوه ادراک او را نیز سلب می‌کند. بنابراین با توجه به عصر ارتباطات و وجود زمینه‌های اختلالات و انحرافات جنسی بیشتر، ایجاب می‌کند که با رعایت اصول و قواعد مناسب در تربیت جنسی کودک و نظارت مطلوب بر این مهم از ابتلا به آسیب‌های جنسی در او جلوگیری شود.

#### ۳-۲- دلیل عقل

فراهم‌نمودن بستر مناسب برای رشد سالم جنسی، شناخت و انتظار درست از هویت جنسی، هدایت صحیح و بهنجار غریزه جنسی در کنار رشد و پرورش در مسیر صحیح، پیشگیری از انحرافات و ایجاد زمینه پاکدامنی در جامعه، آماده‌سازی فرزندان برای زندگی سالم خانوادگی و مصونیت کودک از آسیب‌هایی که توسط بزرگسالان بر کودک وارد می‌شود، همه

و نسبت به دیگری این عمل را انجام نداد، آن حضرت فرمودند: «چرا با آن‌ها با مساوات عمل نمودی» (۲۸). بنابراین درباره اهمیت اجرای مساوات و عدالت در میان اطفال در روایتی دیگر آن حضرت فرمودند: «با فرزندان تان عادلانه رفتار کنید، همان‌گونه که دوست می‌دارید با عدل و نیک و لطف با شما برخورد شود» (۲۴).

از این رو می‌توان گفت که لازم است والدین نسبت به تمام فرزندان اظهار محبت و شفقت داشته باشند تا از عوارض جانبی و خطراتی که با بی‌عدالتی و برتری‌دادن بی‌جهت به برخی از آن‌ها پیدا می‌شود، جلوگیری به عمل آید. از دیگر سو، چون اقتضای نیاز طبیعی و فطری آدمی دوست‌داشتن و دوست داشته‌شدن است، پس وقتی که کودک از سوی والدین مورد محبت قرار می‌گیرد و نیاز وی ارضا می‌شود. افزون بر آن، زمینه کمبود محبت از بین می‌رود، فرزند برای جبران آن به روابط جنسی زود هنگام و یا انحرافات جنسی و ولع شهوانی روی نمی‌آورد، ضمن آن‌که رویارویی با مسخره‌کردن‌ها، تبعیض‌ها، تهدیدها و بی‌مهری‌ها، توأم با عدم احساس روابط صمیمانه و مهربانانه کودک با دیگران خواهد بود. از این رو شخصیت ایمن طفل به خطر می‌افتد و سرنوشت نامطلوب روانی و تربیتی برای او رقم می‌خورد که می‌تواند منجر به آسیب‌های جنسی جبران‌ناپذیری شود.

### راه‌کارهای پیشگیری از آسیب‌های جنسی کودک

گزینه جنسی همانند دیگر ابعاد وجودی انسان نیازمند «تربیت» است. این در حالی است که برخی از خانواده‌ها با نادیده‌گرفتن شخصیت و نیازهای کودکان و نابالغ‌بودن آن‌ها، در امور جنسی آن‌ها دقت ندارند. در این میان به منظور امنیت کودکان از آسیب‌های جنسی، اسلام در تعالیم تربیتی خود راه‌کارهایی را معین نموده است که در ادامه به شرح برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۱- شناخت و رشد مهارت‌های زندگی در فضای عاطفی

##### خانواده

شناخت دقیق جایگاه، ارزش و ویژگی‌های فرزند و رشد توانایی‌هایش به عنوان بهترین نعمت الهی، نقش بسیار مهمی

از این رو در امور تربیتی کودک، عقل اجمالاً این حقیقت را درک می‌کند که با عنایت به ناتوانی کودک در رعایت مصالح خویش، شخصی یا اشخاصی باید این مهم را انجام دهند و دارای اختیاراتی باشند و زمانی که علت نصب ولی برای کودک را تأمین مصالح در تمامی امور و متعلقات او دانستیم، اگر اقدام ولی در جهت جلب خیر و صلاح کودک نباشد، دیگر دلیلی بر اعتبار اقدام او نیست و برابر اصل عدم ولایت، عمل او باطل است. بنابراین تأمین مصلحت هم علت وضع ولایت و هم تحدیدکننده آن (ولایت) است (۲۵).

البته ناگفته نماند که طبق اصل «الناس مسلطون علی اموالهم» به طریق اولی هیچ فردی بر دیگری نباید سلطه داشته باشد، اما با توجه به اقتداری که شرع برای سلطه بر کودک منظور نموده است، هدف باید تنها جلب حمایت و حفاظت از مصالح کودک باشد، در غیر این صورت باید اصل را بر عدم سلطه و ولایت دانست (۲۶).

بدین‌سان، والدین در امور تربیت جنسی کودک بر پایه اصل مصلحت‌محوری نباید اقداماتی را انجام دهند که کودک از سوی آن‌ها متحمل ضرر و زیان شده و سلامت روحی او دچار خدشه شود، آنگاه کودک در معرض آسیب روانی و جنسی قرار گیرد.

#### ۲- اصل رعایت عدالت و عدم تبعیض در تربیت جنسی

یکی از عوامل مهم و مؤثر که در تربیت جنسی کودکان نقش محوری و مؤثر دارد و در زمره حقوق آن‌ها نیز به شمار می‌رود، رعایت عدالت و عدم تبعیض میان آن‌ها است. از این رو شایسته‌ترین روش و رفتار عادلانه و برچیدن بساط تبعیض و برتری‌جویی نسبت به آن‌ها، محبت‌ورزی و ابراز دوستی با اطفال است، به گونه‌ای که از دیدگاه مشهور فقیهان امامیه، رعایت عدالت و مساوات در بین فرزندان مستحب است و امتیازدادن بی‌مورد به برخی مکروه و ناپسند است، حتی در مواردی که سبب کینه، فتنه، فساد و... شود، حکم حرمت بر آن حمل می‌شود (۶، ۲۷).

این در حالی است که دلیل ناروایی تبعیض را می‌توان در فرمایش پیامبر (ص) به روشنی اثبات نمود، آنجا که وقتی مردی را دید که در حضور ایشان یکی از فرزندان‌اش را بوسید



صراحت این مهم را وظیفه مؤمنان می‌داند، یعنی با نصایح اخلاقی و یادآوری آیات الهی به وظیفه شرعی و اخلاقی خویش عمل کنند، آنجا که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و کسان خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست، نگهدارید». همچنین در آیه ۱۲۵ سوره نحل در این باره می‌فرماید: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به (شیوه‌ای) که نیکوتر است مجادله نما؛ در حقیقت پروردگارت تو، به (حال) کسی که از راه او منحرف شده، داناتر و او به (حال) راه‌یافتگان (نیز) داناتر است».

بنابراین موعظه نیکو، موعظه‌ای است که از جان پاک واعظی راه یافته و به روشی نیکو از آن برای اصلاح و هدایت بهره گرفته شود، یعنی برای تأثیرپذیری بیشتر با نرمی و از سر صدق و خلوص و صمیمیت باشد، نه با درشتی و بزرگمنشی. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «مسلمان آینه برادر خویش است، هرگاه خطایی از برادر خود دیدید همگی او را مورد حمله قرار ندهید، بلکه او را راهنمایی و نصیحت نمایید و با او مدارا کنید...» (۲۱). از آنجا که برای نصیحت‌خواه نیز حقی قرار داده شده است، امام سجاد (ع) در این باره می‌فرماید: «حق نصیحت‌خواه این است که به راه صحیحی که می‌دانی می‌پذیرد، راهنمایی‌اش کنی و سخن در حد درک و فهم و عقل‌اش بگویی که هر عقلی ظرفیت مخصوص خود را دارد و روش تو باید همراه با مهربانی و رحمت باشد» (۲۰).

به هر روی، در فضای عاطفی حاکم بر خانواده، با شناخت و رشد شخصیت و توانایی کودک می‌توان تربیت جنسی او را در مسیر صحیحی هدایت نمود، زیرا احساس کمبود عاطفی در کودکان می‌تواند منشأ بسیاری از انحرافات آنان شود، لیکن تکریم و جلب مشارکت در پرتو تشویق و تأدیب متعارف و موعظه توأم با نرمش و مدارا به نوعی نقش مؤثری در هدایت غریزه جنسی کودکان خواهد داشت.

## ۲- رشد و پرورش استعداد غریزه جنسی کودک

از دیدگاه اسلام، فراهم‌شدن زمینه‌های رشد و پرورش غریزه جنسی باید به گونه‌ای باشد که عفت جنسی حاصل و از انحراف جنسی نیز جلوگیری شود. تلاش برای تحقق چنین هدفی، متوقف بر فرارسیدن دوران بلوغ نیست، بلکه تقریباً از

در انجام وظایف والدین دارد، لیکن کودک همانند دیگر انسان‌ها افزون بر نیازهای جسمی، از لحاظ روح و روان نیز نیازهایی دارد که مهم‌ترین چیزی که نیازهای روحی و روانی او را تأمین می‌کند، احترام به کرامت ذاتی او است. پیامبر اکرم (ص) در اهمیت تکریم کودکان می‌فرماید: «فرزندان خود را احترام کنید و آداب‌شان را نیکو گردانید که مورد رحمت و بخشش قرار خواهید گرفت» (۲۴). یکی از راه‌های اثبات تکریم کودک، جلب مشارکت و ایجاد حس مسؤلیت‌پذیری در کودک است. همان‌گونه که حضرت امیر (ع) می‌فرماید: «از نیکی گفتار انسان، به عقل و درایت او استدلال می‌شود» (۱۹).

از این رو، والدین باید با در نظر گرفتن سن کودک و مقدار درک و شعور و میزان توانایی، او را در انجام کارها تشویق و در صورت نیاز به راهنمایی و کمک او اقدام نمایند (۲۹). این در حالی است که در مقابل خطا و لغزش کودک نیز تأدیب (بدون روش خشونت‌آمیز) به امید اصلاح توصیه می‌شود، به گونه‌ای که برخی فقیهان در این باره می‌گویند: «تأدیب زمانی جایز است که به مصلحت کودک و در حد متعارف باشد» (۶). بدین‌سان وجود توأم تأدیب و تشویق در تربیت کودک نهفته است، همانطور که حضرت امیر (ع) در حکمت ۳۶۸ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «همانا خداوند پاداش را بر اطاعت و کیفر را بر نافرمانی قرار داد تا بندگانش را از عذابش برهاند و به سوی بهشت برهاند» (۳۰)، اما گاه کودک نه تنها در مقابل تشویق بیش از حد، میزان تأثیرپذیری‌اش کاسته می‌شود، بلکه از دیگر سو، تأدیب را امری عادی می‌پندارد و از آن ابایی ندارد و احساس شرم و سرافکندگی در برابر خطایش نمی‌کند، لیکن به عنوان یک روش جایگزین در ممانعت از خطا و لغزش، موعظه و نصیحت در اسلام سفارش شده است، یعنی سفارش و توصیه به کارهای نیک، زیرا اگر این اصل به خوبی رعایت شود مطمئناً دامن بسیاری از انحرافات و فسادها نیز برچیده می‌شوند.

در واقع، این روش از جمله روش‌هایی است که خداوند متعال برای تربیت همه انسان‌ها به آن سفارش کرده، همان‌گونه که با استناد به آیه ۶ سوره تحریم خداوند به

زمان تولد شروع می‌شود، به گونه‌ای در اولین مرحله، والدین به عنوان الگو باید در گفتار و رفتار خویش بر پایه عفت، شرایط مساعدی را به منظور فراهم‌شدن این ملکه فاضله در محیط خانواده فراهم نمایند (۳۲-۳۱). از این رو امام علی (ع) در تشویق به عفت و پاکدامنی می‌فرماید: «خود نگهداری از غلبه شهوت، باعث مصونیت نفس می‌شود و او را از وابستگی به زینت‌های دنیوی پیراسته می‌سازد» (۱۹).

در کنار پرورش فضیلت اخلاقی عفت و استحکام پایه عفت، حیا در گفتار، کردار و حتی طرز لباس پوشیدن الگوهای کودک نیز لازم است که رعایت شود. در واقع این فضیلت اخلاقی هم ردیف با دین معرفی شده است و پیامبر (ص) در توصیف آن فرمودند: «حیا تمام دین است» (۳۳)، زیرا انسان توانمندی پیدا می‌کند که خود را از انجام کارهای زشت بازدارد و از این‌که بخواهد عمل قبیح را انجام دهد، شرم نماید.

ضمن بهره‌مندی از حیا و عفت، غیرت را نیز باید نسبت به رفتارهای ناپه‌نجان و غیر شرعی تقویت نمود، آنجا که امام علی (ع) می‌فرماید: «ارزش هر فرد به اندازه همت او و میزان عفتش به اندازه غیرت اوست» (۳۰). از دیگر سو، بر اساس آموزه‌های دینی به منظور تعدیل این غریزه باید به کودک آگاهی‌های اساسی که سبب حفظ عزت و شرافت فرد است، به تدریج آموزش داده شود (مثل این‌که اجازه ندهد کسی به بدن او دست بزند، مگر اشخاصی همچون پزشک، آن‌هم تحت محدودیت و شرایط خاص)، زیرا با آموزش این مسائل نگرش‌ها و عقاید و ارزش‌های مرتبط با هویت، ارتباطات و صمیمیت شکل می‌گیرد (۳۴). ضمن آنکه اسلام اهتمام ویژه‌ای به مسأله محیط و پاکسازی آن از انواع محرک‌های مخرب دارد، زیرا زمانی که محیط جمع آلوده و ناپاک شد، سجایای انسانی و فضایل اخلاقی بی‌رونق و زیان‌آور می‌شود و به عکس ردائل و ناپاکی در جامعه رایج و سودبخش می‌گردد (۳۵).

از این رو به استناد آیه ۱۳۲ سوره طه آنجا که خداوند می‌فرماید: «و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز»، در اهمیت تربیت معنوی امام سجاد (ع) می‌فرماید: «حق فرزندت این است که بدانی جزئی از توست، در دنیا خیر و شرش به تو منسوب است؛ در تربیت و ادب و

خداشناسی او مسؤولیت داری؛ هم پاداش می‌گیری و هم مجازات می‌شوی، پس در کار تربیت او همانند کسی رفتار کن که در این دنیا با اثر نیکش در حق او کارش را می‌آراید و در آنچه میان تو و پروردگارت است به خاطر انجام‌دادن درست آن و نتیجه‌ای که از آن می‌گیری، نزد او معذور است و نیرویی جز خداوند نیست» (۲۱). از دیگر سو، چون کودک از همان ابتدای تولد، هرچند معانی کلمات و جملات را نمی‌فهمد و خصوصیات مناظر و اشکال را تشخیص نمی‌دهد، ولی آن‌ها را می‌شنود، می‌بیند و اعصاب و ذهن‌اش از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و همین آشنایی در آینده او متأثر است (۳۶).

بنابراین نه تنها لازم است آموزش و تربیت جنسی طبق یک برنامه زمان‌بندی شده، متناسب با مقتضیات سنی و پیروی از عقل و مبتنی بر شناخت نیازها صورت پذیرد، زیرا طرح شتاب‌زده مسائل جنسی می‌تواند آسیب‌زا باشد و ناهنجاری‌هایی را در کودک ایجاد نماید که با رشد و تربیت او ناسازگار است (۱۲)، بلکه بر اولیا کودک واجب است که از جهت آشناکردن با واجبات دین و منع از محرمات و رغبت در امور مستحب نسبت به کودک اهتمام بورزند (۳۲). بنابراین آموزش احکام دوران بلوغ (آموزش طهارت (وضو و غسل)، جهت قبله، نماز، روزه و...) با عنایت به رشد فکری او به تدریج، همراه با طمأنینه توأم با محبت ضرورت می‌یابد.

بدین‌سان مستفاد می‌شود که تربیت معنوی از طریق فراهم‌نمودن زمینه‌هایی حتی به قبل از تولد همچون انتخاب همسر، آداب مباشرت و رعایت برخی نکات در هنگام انعقاد نطفه و مراقبت هنگام بارداری نیز تسری می‌یابد. همچنین کودک به عنوان یک انسان فطرتاً تمایل به خداپرستی دارد و با پرورش حس دینی در او از ابتلا به انحرافات در آینده پیشگیری می‌شود و از عوامل مؤثر بر کج‌روی‌های جنسی بر حذر خواهد ماند، اما این والدین و یا شرایط محیطی و اجتماعی هستند که کودک را با تحریک و تربیت نادرست، از فطرت اولیه منحرف می‌کنند، البته یکی از زیربنایی‌ترین اصول تربیت جنسی در اسلام، میل انسان به معنویت است و کودک باید به گونه‌ای تربیت شود که بُعد معنوی او در جریان تربیت جنسی، تقویت شود و غریزه جنسی، ابزاری در جهت

جنسی است، برای مقابله با این آسیب جنسی تدابیری در اسلام اندیشیده شده که در ادامه به برخی اشاره می‌نماییم.

۱-۲-۳- اجازه‌خواستن برای ورود به خلوت پدر و مادر:

یکی از مسائل تربیتی بسیار مهم که به ویژه در جامعه کنونی نسبت به آن کم‌توجهی می‌شود، مسأله اجازه ورود کودکان به اتاق والدین است، هرچند کودک در دوران کودکی در کنار پدر و مادر به سر می‌برد و به دلیل انس و الفتی که با آن‌ها دارد، مایل است بی‌اجازه وارد اتاق آن‌ها شود و در کنارشان بماند، اما باید به تدریج تمرین داده شود و عادت کند که در اتاق مخصوص خود بخوابد و برای رفتن به اتاق آن‌ها اجازه بگیرد (۴۰). در خصوص کودک ممیز دو امر بیان شده است: اولاً با استناد به آیه ۳۱ سوره نور، بر زنان جایز نیست که حجاب خود را بردارند و زینت خود را در برابر دیده او (کودک ممیز) آشکار سازند، مگر کودکانی که از عورات زنان (امور جنسی) آگاه نیستند؛ ثانیاً با استناد به آیه ۵۸ سوره نور، کودکی که به سن بلوغ نرسیده، تنها در زمان‌های مشخص شده نیاز به اجازه گرفتن دارد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که بر پایه تفاسیر و دیدگاه فقیهان، والدین به آگاه کردن و تربیت نمودن کودکان بر اجازه دخول به حریم شخصی‌شان موظف هستند یا این که حدیث رفع در این مورد موضوعیت ندارد و کودکان مکلف هستند که به حریم شخصی والدین احترام بگذارند و بدون اجازه وارد نشوند؟ برخی از فقیهان معتقدند که بر والدین واجب است به کودکان ممیز خود امر کنند که در سه وقت مذکور با استناد به آیه شریفه مزبور (قبل از نماز صبح، نیمه روز و بعد از نماز عشا) هنگام ورود به خلوت آن‌ها (والدین) اجازه بگیرند و این تکلیف را باید به کودکان ابلاغ نمایند (۴۱). از دیگر سو برخی نیز بر این باورند که بر کودکان واجب است در این اوقات سه‌گانه اجازه بگیرند و ارائه دلیل ایشان چنین بوده که این حکم نسبت به حدیث رفع اخص است (۴۲). بنابراین کودک مکلف بر این امر است؛ در مقابل، مشهور معتقدند که والدین مسؤول هستند کودکان را در اوقات سه‌گانه برگرفتن اذن ورود به خلوت پدر و مادر تعلیم دهند (۵).

شکوفاسازی آن، مبنای تمایل به معنویت قرار گیرد، تا طفل مورد اغفال قرار نگیرد و طعمه جنسی آلودگان و گرسنگان شهوت واقع نشود.

### ۳- فراهم نمودن شرایط اختفای غریزه جنسی کودک

از آنجا که غریزه جنسی یکی از مهم‌ترین فطریات کودک است، در پرتو یک سلسله قوانین و مقررات دقیق طبیعی، راه رشد و تکامل خود را می‌پیماید و تا رسیدن به مرحله بلوغ منازلی را طبق برنامه فطرت گام به گام طی می‌کند، یکی از برنامه‌های فطرت، اختفای تمایل جنسی است (۳۷). در ادامه به برخی شرایط کمک‌کننده اختفا، مانند جداسازی بستر کودکان، پنهانی‌بودن روابط زناشویی و منع حرکات تهییج‌آمیز نسبت به کودک می‌پردازیم.

#### ۱-۳- جداسازی بستر کودکان: از آنجا که یکی‌بودن

بستر کودکانی که به سن تمیز می‌رسند، می‌تواند به تماس‌های بدنی نادرست، بلوغ جنسی زود هنگام و حتی روابط نامشروع منجر شود. از این رو یکی از تدبیرهای شریعت اسلام برای جلوگیری از این آسیب‌ها، جداسازی بستر کودکان از همدیگر است. در صحیح عبدالله بن میمون روایت شده که رسول اکرم (ص) به نقل از امام صادق (ع) فرمودند: «بسترهای پسر و پسر، پسر و دختر، دختر و دختر را از ده سالگی از همدیگر جدا کنید» (۳).

بر این اساس فقیهان ضمن تأکید بر این اصل مهم، نظرات مختلفی را ارائه داده‌اند؛ برخی اذعان داشته‌اند که یکی‌بودن بستر کودکان با همدیگر یا با پدر و مادرشان در صورت ترس از فتنه و انحراف جنسی، حرام است. در غیر این صورت اشکال ندارد. در مقابل برخی دیگر بر این باورند که خواه در صورت ترس از انحراف جنسی یا نبود آن، واجب است، جداسازی بستر صورت پذیرد (۳۸-۳۹).

البته مستفاد می‌شود که تأکید بر جداسازی صرفاً در خصوص کودکان با همدیگر موضوعیت ندارد، بلکه هم بستر بودن کودکان با والدین و... را نیز شامل می‌شود.

#### ۲-۳- پنهانی‌بودن روابط زناشویی: از آنجا که آگاهی

از روابط زناشویی یکی از عوامل بسیار مخرب در انحراف

مادر زمینه شهوت و فساد فراهم می‌نماید (۵)، هر چند به نظر می‌رسد، این دلیل نیز قابل طرح باشد که حرمت این عمل به خاطر به زنا کشیده شدن کودک بوده است، زیرا در او زمینه‌های فحشای بعد از بلوغ را فراهم می‌نماید، پس باید اولیا که متولی تربیت کودک‌اند، از این اعمال شدیداً اجتناب نمایند.

این در حالی است که درباره عدم جواز بوسیدن دختر بچه، امام صادق (ع) فرمودند: «وقتی دختر به شش سالگی رسید، برای تو شایسته نیست که او را ببوسی» (۲۸). برخی فقیهان در این باره معتقدند که اشکال ندارد مرد نامحرم کودک (دختر بچه) را ببوسد، البته مشروط بر این امر که بوسیدن همراه با شهوت نباشد (۴۶). مستفاد از ظاهر کلام این است که بوسیدن دختر شش‌ساله، هر چند از روی شهوت نباشد، حرام است و منظور از «بدون اشکال» که از مفهوم جمله استنباط می‌شود، «بدون اشکال تحریمی» است، هم‌چنانکه از روی شهوت بوسیدن دختر کم‌تر از شش سال نیز حرام است، البته عده‌ای دیگر از فقیهان نیز معتقدند، با رسیدن به سن شش سالگی بنا بر ظاهر، بوسیدن کودک (دختر بچه) توسط مرد نامحرم در صورتی که همراه با ریبه نباشد، حمل بر کراهت می‌شود (۴۷).

البته ناگفته نماند، حدیث مزبور ممکن است سن شش سال را به این دلیل مطرح نموده باشد که در سنین پایین زمینه تحریک بچه کم‌تر است و هر آنچه سن بالاتر می‌رود، با میل به سمت بلوغ جنسی و تغییراتی که در سیستم بدن او اتفاق می‌افتد، زمینه تحریک بیشتر می‌شود و در عین حال شهوت و تمایلات جنسی در او قوت می‌گیرد. افزون بر آن، چون شهوت و لذت در بوسیدن شدیدتر از نگاه است، پس از آنجا که نگاه همراه شهوت جایز نیست، به طریق اولی بوسیدن با شهوت هنگامی که کودک شش سال یا بیشتر دارد، نیز جایز نیست (۳۲).

به هر روی، گزینه جنسی یکی از مهم‌ترین فطریات کودک است که در پرتو یکسری قوانین و مقررات دقیق طبیعی، راه رشد و تکامل خود را می‌پیماید. از این رو اسلام به منظور پیروی از قانون فطرت و پنهان‌نگه‌داشتن تمایل جنسی کودک، دستور داده است که کودک از دیدن مناظر شهوت‌انگیز و

بر این اساس، به نظر می‌رسد که اوامر و نواهی متعلق به کودکان غیر مکلف در تربیت جنسی، صرفاً مبعوضیت یا مطلوبیت از آن قابل برداشت است، پس نهی متوجه والدین و سرپرستان و مربیان کودک می‌شود و باید جلوی تحقق این امر مبعوض را بگیرند و نگذارند کودک مرتکب چنین عملی شود و چنانچه غفلتی پدید آمد و آسیبی بر کودک حادث شد، باید سعی بر درمان شود، یعنی همه امکانات و زمینه‌ها را فراهم آورد تا کودک اصلاح شود و از اعمال محبت، هدایت، راهنمایی، ملاحظات اخلاقی، اخطار و انذار استفاده نمود.

۲-۲-۳- پرهیز از بروز هر گونه رفتار جنسی در حضور کودک: از جمله آداب تربیتی که اسلام والدین و مربیان را بر آن سفارش نموده، امتناع از آمیزش و هر گونه مناظر و الفاظ و عبارات مهیج و تحریک‌آمیز در حضور کودک است (۳۲). امام صادق (ع) در باب نهی از آمیزش در حضور کودک می‌فرماید: «در حالی که کودکی در اتاق باشد، مرد نباید با زن و کنیزش آمیزش کند، زیرا این از آن چیزهایی است که زنا را در پی می‌آورد» (۲۸). بنابراین برخی از فقیهان می‌گویند: «مجامعت در خانه‌ای که کودکان و عده‌ای دیگر به سر می‌برند، شایسته نیست»، حتی عده‌ای نیز نسبت به استعمال واژه «عدم شایستگی»، حکم کراهت درباره جماع با چنین شرایطی را فتوا داده‌اند (۴۴-۴۳).

به هر روی از اطلاق کلام فقیهان چنین استنباط می‌شود که نهی از مجامعت به سبب انحرافات و آسیب جنسی و تأثیراتی که به ویژه در ذهن کودکان بر جای می‌گذارد، کودکان ممیز و غیر ممیز را دربر دارد.

### ۳-۳- منع حرکات تهییج‌آمیز نسبت به کودک: حرکات

تهییج‌آمیز به مانند ملاعبت با اعضای جنسی، بوسیدن دختر بچه توسط مرد نامحرم و... از جمله مسائلی است که در تعالیم اسلامی مورد نهی واقع شده است، به عنوان نمونه در خصوص تماس مادر با کودکش در روایتی از امام علی (ع) نقل شده که ایشان فرمودند: «تماس بدنی زن با دخترش وقتی به شش سالگی رسید، بخشی از زناست» (۲۸)، البته مراد از مباشرت در این حدیث، یا تماس با بدن برهنه دختر بچه است و یا ملاعبت با عورت اوست (۴۵). بنابراین از آنجا که این کار از مقدمات مجامعت بوده و حرام است، پس بر مادر نیز این امر حرام بوده و مرتبه ضعیفی از مفسده زنا در آن هست و برای

سنی و روانی اطفال نیز پذیرای آن است. بی‌تردید در این میان، نقش وسائل ارتباط جمعی در شخصیت، رفتار و اعتقادات کودک بی‌نظیر است و روز به روز این تأثیر در حال گسترش و افزایش است.

در واقع برخی کتاب‌ها، لوازم‌التحریرها، نوارهای ویدیویی و رایانه‌ای و سایر گونه‌های وسایل ارتباط جمعی و تلویزیون و شبکه‌های متعدد جهانی هریک در تلاش هستند که بر پایه اهداف و مبانی فکری خود تولیداتی برای جذب کودکان داشته باشند که به طور مسلم بسیاری از این ابزار و عوامل، آثار منفی نیز خواهند داشت. افزون بر آن، کودکان با استفاده از بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه، اینترنت، فیلم و سایر برنامه‌های تلویزیونی و یا در جولانگاه شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های ماهواره‌ای بیشتر در معرض دستیابی اطلاعات و مطالبی هستند که زیان‌آور بوده، مطالبی که بی‌شک در این نونهالان با تأثیر، ماندگاری و عمق بیشتری همراه است. بنابراین، دسترسی کودکان به اطلاعات زیان‌بار و مطالب خشونت‌بار، عکس‌ها و تصاویر مستهجن، آموزش‌های نادرست جنسی، روابط و تفریحات نامشروع و ناسالم و باورها و تبلیغات ضد دینی و خلاف اخلاق باید تحت کنترل بوده و این موارد از نمونه هشدارهایی است که در روابط کودک و رسانه مطرح می‌شود (۴۸-۴۹).

از این رو خانواده‌ها و افراد مرتبط با کودک نقش مراقبت، آگاه‌سازی، نظارت در مقابل هر آنچه فضای ذهن و روان طفل را تحت تأثیر قرار دهد، بر عهده دارند، به گونه‌ای که مولا علی (ع) به نگرانی خود از رو به روشن شدن فرزند نوپای خویش با پیام‌آفرینان مغرضی اشاره می‌کنند که ممکن است با هجوم خود به فضای ذهن و اندیشه او، حقیقت را مشتبه سازد، پس می‌فرمایند: «از آن ترسیدم که مبدا خواسته‌های نفسانی و نظریاتی که مردم را دچار اختلاف و گمراهی کرد و کار را بر آنان شبهه‌ناک ساخت، به تو نیز هجوم آورد، گرچه آگاه‌کردن تو را نسبت به این امور خوش نداشتم، اما آگاه‌شدن و استوار ماندن را ترجیح دادم تا دچار هلاکت‌های اجتماعی نگردی» (۳۰).

شنیدن کلمات مهیج که عاملی در بیداری نابهنگام غریزه جنسی طفل است، دور نگه داشته شود (۳۸).

بر این اساس، اختفای غریزه تمایل جنسی کودکان قبل از بلوغ یکی از مقررات حکیمانه الهی بوده که قوای جسمی و روحی کودک در طول این مدت رشد و پرورش یابد و به رشد و کمال شایسته برسد و دستگاه فیزیولوژیک بدن وی نیز برای پذیرش بلوغ مهیا شود که با ظهور غریزه جنسی، کودک از هر لحاظ آمادگی لازم را پیدا خواهد نمود. در مقابل چنانچه قانون اختفای تمایل جنسی درست و به طور کامل اجرا نشود و غریزه جنسی در کودک زودتر از موقع طبیعی خود آشکار شود، بلوغ زودرس هویدا شده که آثار زیان‌باری بر جسم و روان کودک به جای می‌گذارد و زمینه‌ساز بروز بسیاری از هوس‌ها و عادات نادرست و انحراف‌آمیز و توسعه مفاسد و آلودگی خواهد شد.

#### ۴- نظارت بر ابزار و محیط‌های مرتبط با کودک

خانواده، مهد و مأمّن کودکان است و به لحاظ جسمی، روحی و عاطفی و حمایت‌های مادی و معنوی، نهادی بنیادین و بی‌بدیل برای کودک محسوب می‌شود، هرچند امروزه وسعت و دامنه نهادهای تربیتی و حامی به کودکان و مدارس تسری یافته است و در کنار حامیان دلسوزی همچون والدین، مربیان و حتی دولت، گام به گام همراهی می‌کنند، چراکه به لحاظ شرع و عرف، کودک به مثابه امانتی مهم و سرمایه‌ای عظیم در جامعه به ودیعه نهاده شده است. از این رو خداوند در آیه ۲۷ سوره انفال می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید زنهار با خدا و رسول و در کار امانت با یکدیگر خیانت مکنید، در صورتی که زشتی آن را می‌دانید»؛ مستفاد از این آیه شریفه تلاش و همکاری برای رشد و پرورش کودک و برداشتن موانع و رفع پیامدهایی است که در ارتقای جسمی، روحی و روانی او می‌تواند مؤثر باشد. بنابراین برخورداری طفل از نعمت تربیت و تزکیه مستلزم ارشاد، آگاه‌سازی و نظارت با عنایت به رشد فیزیکی و عقلی او می‌باشد. مع‌الأسف امروزه استفاده از ابزار و آلات بازی و سرگرمی، تفریحی و آموزشی و به ویژه رسانه، تبدیل به تهدیدات و معضلاتی شده که هر آن تربیت جنسی او را تحت مخاطره قرار می‌دهد و ویژگی‌های

نفسانی، و رفتارهایی در راستای هدف عالی قرب الهی در همان اوان کودکی ظاهر می‌شود.

اسلام ضمن سفارش به تقویت فضایل اخلاقی همچون حیا، عفت و غیرت و ضرورت پرورش آن‌ها در روح و روان آدمی و الگودهی عملی اولیا و مربیان و افراد مرتبط با طفل در کنترل و تعدیل گزینه جنسی، توصیه به قرارگرفتن گزینه جنسی در پرده اختفا و خمود در دوران قبل از بلوغ، می‌نماید، زیرا با قرارگرفتن کودک در محیط آلوده و ناپاک، افزون بر این که سجایای انسانی و فضایل اخلاقی از صفحه وجود او کم‌کم محو می‌شود، کودک دستخوش آسیب‌های جنسی به دنبال خودارضاعی، هم‌جنس‌گرایی، کودک‌آزاری و رضایت به انواع سوء استفاده‌های جنسی قرار می‌گیرد که در نهایت سلامت روحی‌اش به خطر می‌افتد، لیکن پرورش کودک در سایه تعالیم ارزشمند اسلام با عنایت به مقتضیات زمان و عمل به راه کارهای مطلوب و مؤثر شریعت مقدس اسلام، می‌تواند نقش مؤثری در رشد و گسترش هنجارها و فضایل اخلاقی فاقد هر گونه انحراف ایفا نماید که در این میان ارائه چند پیشنهاد توصیه می‌شود:

۱- ارائه آموزش مناسب و اطلاعات کافی در مورد اندام‌های جنسی کودک از بُعد فیزیولوژی، روانشناسی و اخلاق مربوط به گزینه جنسی و مسائل بهداشت جنسی به دانش‌آموزان در مدارس ضرورت دارد.

۲- ارتقای سطح آگاهی و آموزش والدین (قبل از تولد و بعد از تولد کودک) و مربیان مهدکودک‌ها و مدارس به عنوان رابطان مهم امر تربیت جنسی در مورد شناخت بُعد روحی - روانی کودک و آگاهی نسبت به مسائل جنسی و نحوه برخورد با هر گونه شبهه و پرسش مطرح‌شده از سوی کودک در کسب تربیت جنسی به نحو مطلوب لازم است، به ویژه آنکه مربیان با کسب آگاهی نسبت به تغییرات هورمونی، عاطفی و هیجانی سنین بلوغ در قالب فعالیت‌های گوناگون و با کمک والدین، کودکان را نسبت به تغییرات سنین بلوغ آشنا کنند و در خصوص ویژگی‌هایی همچون اخلاق پسندیده، خویش‌داری و خودکنترلی در مسائل جنسی و حفاظت از حریم خصوصی بدن ارشاد نمایند.

بدین‌سان باید اذعان نمود که تربیت جنسی باید در یک برنامه‌ریزی زمان‌بندی‌شده متناسب با مقتضیات سنی و ذهنی و مبتنی بر شناخت نیازها و قابلیت کودکان صورت پذیرد. افزون بر آن با برقراری پیوند عاطفی با کودک و دادن پاسخ به شبهات او متناسب با مقاطع سنی‌اش و کمک به شکل‌گیری بهتر هویت جنسی متناسب با جنسیت کودک، می‌توان از رشد منفی و مضر حس کنجکاو کودک ممانعت به عمل آورد تا کودک برای پاسخ به شبهات و دغدغه‌های ذهنی خویش به استفاده از فضاهای زبان‌بار و ابزار و کتب غیر دینی و غیر اخلاقی و رسانه‌هایی، همچون ماهواره و اینترنت که امروزه شیوع دارد، متوسل نشود، البته باید تأکید نمود که در تربیت جنسی، صرف ارائه اطلاعات به کودک کفایت نمی‌کند، بلکه رفتار و نگرش و منش اولیا و مربیان نسبت به امور جنسی در اثربخشی و کارآمدی آموزش اهمیت به‌سزایی دارد.

### نتیجه‌گیری

در شریعت اسلام، کودک به عنوان عالی‌ترین عطیه الهی و مبنای ساختار جامعه انسانی است. از این رو نه تنها به تربیت سالم، مراقبت مستمر و محافظت دائمی از ایشان توجه عمیق شده، بلکه آموزه‌های دقیق، حساب شده و گسترده‌ای به منظور دفاع از حقوق اطفال ارائه شده است که یکی از آن‌ها، هدایت گزینه جنسی در مسیر صحیح است.

گزینه جنسی، گزینه طبیعی است که در آفرینش انسان قرار داده شده است و در پرتو یک سلسله مقررات دقیق طبیعی، راه رشد و تکامل خود را می‌پیماید و تا رسیدن به زمان بلوغ، به تدریج مراحل را طی می‌کند. از این رو برنامه طبیعت در چند سال قبل از بلوغ کودک مخفی‌ماندن تمایل جنسی است، بدین‌سان لازم است زمینه و شرایط مخفی نگه‌داشتن گزینه جنسی فراهم شود. اسلام دربردارنده قواعد مهم و دستورالعمل‌ها و راه کارهای جامع مندرج در شریعت اسلام به مانند احترام به کرامت و عزت انسانی، مصلحت‌اندیشی، رفتار اعتدال‌گرایانه و نفی هر گونه تبعیض و تخریب، لزوم محبت و مهرورزی، جلب مشارکت و مسؤولیت‌پذیری و استحکام پایه‌های معنوی است که با کار بست هر یک صفات، ملکات

۳- تبیین آموزه‌ها و احکام جامع و ارزشمند اسلامی در جهت عفت جنسی و جلوگیری از انحرافات از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و محیط‌های آموزشی ضروری است.

۴- تلاش در جهت فراهم‌شدن محیط سالم و عاری از عرضه انواع محرک‌های نفسانی و مخرب در جامعه و پیاده‌شدن سجایای انسانی و فضایل اخلاقی با کمک و پشتیبانی دولت و ملت به منظور پررنگ‌تر نمودن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی لازم است.

۵- بهره‌گیری از مدیران و تولیدکنندگان متعهد در عرصه ابزار و آلات بازی و سرگرمی، تفریحی و آموزشی و رسانه و آموزش آنان در این خصوص، تقویت نظارت عمومی، به ویژه نهادهای غیر دولتی، تدوین راهنمای کاربردی در زمینه حقوق و روانشناسی کودک، تهیه و نهادینه‌سازی نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای ارتباطات، پیش‌بینی سیاست تشویقی و تنبیهی کارآمد، عنایت بیشتر به عملکرد مهد کودک‌ها و مدارس و سایر محیط‌های مرتبط با کودکان، بازنگری در وظایف و کارکرد خانواده برای حمایت و حفاظت کودکان در عصر نوین فناوری و رسانه‌ها ضرورت دارد.

## References

The Holy Qur'an.

1. Ibn Manzour M. Lisan al-'Arab. 3rd ed. Beirut: Dar al-Fekr lil-Tibba'a va al-Nashr va al-Tawzy'; 1993. Vol.8 p.420, Vol.11 p.401. [Arabic]
2. Amid H. Amid Dictionary. 1st ed. Tehran: Amirkabir Publications Institute; 1995. p.31, 991. [Persian]
3. Ibn Babawayh M. Man La Yahduruahu al-Faqih. 2nd ed. Qom: Publications Office of Affiliated to the Society of Seminary Teachers of Qom; 1992. Vol.3 p.436-437, Vol.4 p.171. [Arabic]
4. Raghīb Isfahani H. Mufradat-e 'Alfaz al-Qur'an. 1st ed. Beirut: Dar al-Elm; 1991. p.204. [Arabic]
5. Najafi MH. Jawaher al-Kalam. 7th ed. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi; 1983. Vol.29 p.83-84, Vol.43 p.356. [Arabic]
6. Mousavi Khomeini R. Tahrir al-Wasila. 1st ed. Qom: Dar al-Elm Press Institute; No Date. Vol.2 p.12-597. [Arabic]
7. Farahidi KH. Kitab al-'Ayn. 2nd ed. Qom: Hejrat publication; 1989. Vol.1 p.270. [Arabic]
8. Muqri Fayoumi A. Al-Misbah al-Munir. 1st ed. Qom: Dar al-Radi publications; No Date. Vol.2 p.374. [Arabic]
9. Bojnordi H. Al-Qawaid al-Fiqhiyya. Qom: Nashr-e al-Hadi; 1998. Vol.1 p.211. [Arabic]
10. Rashid Reza M. Tafsir-e al-Manar. 2nd ed. Egypt: Matba'a al-Manar; 1931. Vol.2 p.413. [Arabic]
11. Faghihi AN. Sexual Education: Foundations, Principles and methods from the Perspective of the Qur'an and Hadith. Qom: Scientific and Cultural Institute of Dar al-Hadith; 2008. p.26-428. [Persian]
12. Farmahinifarahani M. Human and Sexual Health: Sexual Education. Tehran: Alborz publications; 2007. p.125, 127, 136. [Persian]
13. Amid Zanjani AA. The Articles Collectiones on the Occasion of Human Rights Day: The Dimensions of the Human Dignity from the Perspective Islam. 1st ed. Tehran: Gerayesh Publication; 2010. p.209. [Persian]
14. Qomi A. Safinat al-Bihar. 1st ed. Qom: Osveh; 1993. p.416. [Arabic]
15. Mosaffa N, Davar Z. Convention on the Rights of the Child from the Perspective International Humanitarian Law. 1st ed. Tehran: The Institute of Legal Studies and Research of Shahr-e Danesh; 1971. p.85. [Persian]
16. Tabataba'i MH. Tafsir-e al-Mizan. 5th ed. Qom: Publications Office of Affiliated to the Society of Seminary Teachers of Qom; 1996. Vol.4 p.282, Vol.15 p.10. [Arabic]
17. Makarem Shirazi N. Tafsir-e Nemooneh. 1st ed. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyya; 1995. Vol.3 p.353-354, Vol.14 p.198. [Persian]
18. Tamimi Amidi A. Ghurar al-Hikam va Durar al-Kalim. 2nd ed. Qom: Dar al-Kitab al-Islami; 1989. p.304. [Arabic]
19. Laythi Wasiti A. 'Uyun al-Ahkam va al-Maw'aiz. 1st ed. Qom: Dar al-Hadith; 1997. p.21, 411, 430, 550. [Arabic]
20. Nouri H. Mostadrak al-Wasa'il. 1st ed. Qom: Aal al-Bayt (PBUT) Institute; 1987. Vol.11 p.166, 340. [Arabic]
21. Ibn Shu'ba Harrani H. Tuhf al-'Uqul. 2nd ed. Qom: The Society of Teachers; 1983. p.108, 263, 391. [Arabic]
22. Sabziwari A. Muhadhdhab al-Ahkam. 4th ed. Qom: Al-Menar Institute; 1992. Vol.25 p.276. [Arabic]
23. Hussein Maraghi M. Al-'Anawin al-Fiqhiyya. 1st ed. Qom: Publications Office of Affiliated to the Society of Seminary Teachers of Qom; 1996. Vol.1 p.318. [Arabic]
24. Majlesi Isfahani MB. Bihar al-Anwar. 2nd ed. Beirut: Dar Ihya' al-Turath; 1982. Vol.74 p.58, Vol.101 p.92-95. [Arabic]
25. Shahidi Tabrizi F. Hidayat al-Talib. 1st ed. Tabriz: Information Printer; 1955. p.321, 325. [Arabic]
26. Meghdadi, MM. The Position and Influence of Interest in the Supervision of Child in the Perspective of Jurisprudence and Law. *Journal of Women Strategic Studies* 2011; 4(54): 175-210. [Persian]
27. Tousi M. Al-Mabsout. 3rd ed. Tehran: Al-Maktaba al-Murtadavya l-Ihya' al-Athar al-Jafaria; 1967. Vol.3 p.308. [Arabic]
28. Hurr 'Aamili M. Wasa'il al-Shi'a. 1st ed. Qom: Aal al-Bayt (PBUT) Institute; 1988. Vol.20 p.133, 230, Vol.21 p.487. [Arabic]
29. Amini A. Islam and Education. 3rd ed. Qom: Boostan-e Kitab; 1999. p.273. [Persian]
30. Sharif al-Radi M. Nahj al-Balagha. 1st ed. Qom: Hejrat; 1993. p.394, 477, 539. [Arabic]
31. Mohammadi ReyShahri M. Hekmatnameh-e Coodak. 9th ed. Translated by Abbas Pasandideh. Qom: Dar al-Hadith; 2014. p.203.
32. Ansari GH. (2007), Mawsu'at-u-Ahkam al-Atfal va Adillateha. 1st ed. Qom: Jurisprudential Center of



A'imma al-Ath'ar (PBUT); 2007. Vol.2 p.154, Vol.3 p.427-492. [Arabic]

33. Payandeh A. Nahj al-Fesaha. 4th ed. Tehran: Danesh publications; 2003. p.453. [Persian]

34. Allahgholi L, Ta'avoni S, Rahmani A. The sexual health of Childhood. 1st ed. Isfahan: Islamic Azad University of Khorasgan; 2011. p.99-100. [Persian]

35. Ibn Abi'l-Hadid AH. The Description of Nahj al-Balagha. 1st ed. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library; 1983. Vol.20 p.270. [Arabic]

36. Baradar M. The Rights of Child upon Parents. 1st ed. Tehran: Hawwa publications; 2007. p.115. [Persian]

37. Falsafi MT. Child in the Perspectiv of Inheritance and upbringing. Tehran: Board for Islmic Teachings Publication; 1962. Vol.2 p.364-371. [Persian]

38. Karaki 'Aamili A. Jami' al-Maqased. 2nd ed. Qom: 'Aal al-Bayt (PBUT) Institute; 1993. Vol.12 p.35, 44. [Arabic]

39. Tabataba'i Hakim M. Mostamsak 'Urwat al-Wuthqa. 1st ed. Qom: Dar al-Tafsir; 1995. Vol.14 p.52. [Arabic]

40. Moraveji Tabasi MJ. The Rights of Children in the School of Ahl al-Bayt (AS). 7th ed. Qom: Boostan-e Kitab Publications; 1999. p.127-128. [Persian]

41. Ardabili A. Zubdat al-Bayan. 1st ed. Tehran: Al-Maktaba al-Jafaria l-Ihya' al-Athar al-Jafaria; No Date. p.550. [Arabic]

42. Helli M. Idah al-Fawaid. Qom: Esmailian Institute; 1967. Vol.3 p.7. [Arabic]

43. Tousi M. Al-Nihaya fi Mujarrad al-Fiqh va al-Fatawa. 2nd ed. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi; 1979. p.482. [Arabic]

44. 'Allameh Helli H. Tazkarat al-Fuqaha'. 1st ed. Qom: 'Aal al-Bayt (PBUT) Institute; 1968. p.576. [Arabic]

45. Majlesi Isfahani MT. Rawdat al-Muttaqin. 2nd ed. Qom: Kooshanbour Islamic Educational Institute; 1985. Vol.8 p.344. [Arabic]

46. Yazdi Tabataba'I MK. 'Urwat al-Wuthqa. 2nd ed. Beirut: Al-Alamy l-Imatboo'at Institute; 1988. Vol.2 p.804. [Arabic]

47. Majlesi Isfahani MB. Mir'at al-'Uqul. 2nd ed. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamia; 1983. Vol.20 p.371. [Arabic]

48. Esmaeili M. Children's Rights and the Medi. *Family Research* 2010; 6(1): 115-129. [Persian]

49. Azimi H, Shokrkah Y. Child, Medi and Mutual Connection. *Journal of Science and Technology and Information Management* 2015; 1(1): 69-94. [Persian]